سیاست سالم‌سازی ترکیب نقدینگی عنوان کردند.
عمده نقدها به رشد پایه پولی آن هم به خاطر مسکن مهر بود که طیب نیا، کمیجانی و قربانی بارها بر ضرورت اصلاح آن تاکید می‌کردند. در حالی که در طول ۴ سال قبل از سال ۹۲ رشدهای پایه پولی به‌طور متوسط در دوره‌های سال‌های قبل و حتی نسبت به دولت هفتم و هشتم هم کمتر بوده است.
در طول سال ۹۲ و ۹۳ بارها تیم اقتصادی دولت تامین مالی مسکن مهر و سهم ۴۵ درصدی خط اعتباری این طرح از پایه پولی را مهم‌ترین عامل تورم عنوان می‌کردند. علاوه بر این سیاست واگذاری تعیین نرخ سود بانکی به شبکه بانکی و ایجاد رقابت بین بانک‌ها سیاستی بود که توسط بانک مرکزی دنبال شد.
در آن دوران، هر دو ایده توسط مسعود نیلی مورد توجه و تبلیغ می‌شد. نیلی ۲۸ بهمن ماه سال ۱۳۹۲ در گفت‌وگو با روزنامه ایران گفته است: «اگر به جای واژه افزایش نرخ سود، بانک‌ها را به سمت شرایط رقابتی شدن سوق دهیم، بانک‌ها می‌توانند با هم رقابت کنند زیرا با افزایش نرخ سود عملا هزینه بانک‌ها بیشتر می‌شود که برای جبران آن بانک‌ها هم اقدام به افزایش نرخ سود تسهیلات می‌کنند. با افزایش نرخ سود تسهیلات تقاضا برای منابع سیستم بانک کاهش می‌یابد و این کاهش تقاضا خود عامل تعدیل‌کننده‌ای می‌شود تا نرخ سود با واقعیت‌های اقتصاد هماهنگ شود.»
همچنین مسعود نیلی نظرات جالبی درباره مضرات پایه پولی و محاسن رشد نقدینگی بیان کرده است. به اعتقاد وی «اگر کشوری را در نظر بگیریم که انضباط پولی در آن برقرار باشد عامل اصلی رشد نقدینگی افزایش پایه پولی نیست و حجم نقدینگی عمدتا تحت‌تاثیر رابطه بین بانک و بنگاه است نه بانک مرکزی و بانک، یا بانک مرکزی و دولت. در واقع افزایش نقدینگی بسط نقدینگی است و خلق آن نیست؛ چراکه خلق نقدینگی توسط بانک مرکزی و بسط نقدینگی توسط نظام بانکی انجام می‌شود.»
هر دو دیدگاه بالا کاملا غیرکارشناسی بود چرا که مسعود نیلی اقتصاددانی بود که اساسا تخصصی در حوزه پولی نداشت و هیچ تالیف یا مقاله‌ای تا آن زمان و تاکنون در حوزه پول و بانک منتشر نکرده بود.
درواقع نظریات مطرح شده از سوی تیم اقتصادی دولت تدبیر و امید، به‌شدت شبیه به نظریات اقتصاددانان نئوکلاسیک در حوزه پول بود. پیش از طرح جدی نظریات درون‌زایی پول، آنچه که در اقتصاد مبنا قرار داشت، مدل‌های اولیه مانند تعادل عمومی والراس بود که محور نظریات اقتصاددانان نئوکلاسیک به پول است. حتی تئوری‌های نئووالراسی هم همچنان ملتزم به چارچوب‌های والراسی است و در تعریف پول، یک اقتصاد کالایی را مدنظر قرار داده است و عنصری به غیر از کالا را در فرآیندی غیر از تولید مورد توجه قرار نمی‌دهد.

آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد در طول سال‌های ۹۳ تا ۹۶ بانک مرکزی به ترتیب ۲٫۵ میلیارد دلار، ۶ میلیارد دلار، ۱۱٫۵ میلیارد دلار و ۱۸ میلیارد دلار ارز مداخله‌ای به بازار تزریق کرد که نتیجه آن سرکوب نرخ ارز در دامنه ۳۲۰۰ تا ۳۶۰۰ تومان بود

تیم اقتصادی دولت تدبیر و امید در عمده سال‌های فعالیت، همانند اقتصاددانان نئوکلاسیک معتقد بودند پول ماهیتی جز یک کالای واسطه‌ای خنثی ندارد و تنها نظریه مربوط به آن نظریه مقداری پول است که نقشی بیشتر از یک پوشش برای پول در اقتصاد قائل نیست.
چنین نگاهی پول را یک متغیر برون‌زا می‌داند و به همین دلیل برای حفظ انسجام نظریه خود متغیرهایی مثل سطح قیمت‌ها، نرخ بهره و تغییرات تولید را متأثر از جریانات و پویایی‌های حجم پول می‌داند. به‌عبارت بهتر حجم پول را عامل تعیین‌کننده سطح قیمت‌ها، نرخ بهره و تغییرات تولید فرض می‌کند.
مبحث درونزایی پول یکی از مباحث اقتصاد پساکینزی است که در مقابل نظریه پول‌گرایان مطرح و مورد توجه قرار گرفت. اقتصاددانان مطرح کننده درونزایی پول مانند کالدور و برانسون معتقدند رابطه تورم و نقدینگی معکوس و حجم پول را متغیری منفعل و متأثر از یکی از آن متغیرها می‌دانند. در واقع حجم پول معلول متغیرهای حقیقی و اسمی اقتصاد است.
به طور روشن‌تر طبق این دیدگاه که در چند دهه اخیر درستی آن به اثبات رسیده است، تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها که عامل آن تورم است و تغییرات نرخ بهره و تغییر سطح تولید و تحولات بازار دارایی‌ها که سطح سوداگری و سفته‌بازی را تغییر می‌دهد، عامل اصلی در تنظیم و میزان عرضه پول به اقتصاد می‌شود. بنابراین بانک مرکزی در این نظریه نمی‌تواند صرفا با مهار پایه پولی نرخ تورم را کاهش دهد بلکه مهار تورم و مدیریت پایه پولی ابعاد پیچیده‌تر و جزئی‌تری دارد.
در ادامه به جای نقد نظرات متولیان و سیاست‌گذاران اقتصادی دولت تدبیر و امید در حوزه پولی، به آثار و نتایج این رویکرد در نظام بانکی و متغیرهای کلان بپردازیم. به صورت خلاصه باید گفت نتیجه عملکرد دولت روحانی، به دلیل سیاست‌های غلط پولی و نظارتی که در ادامه به آن پرداخته می‌شود، نرخ رشد اقتصادی و نرخ تشکیل سرمایه ثابت منفی، بانک‌های ناتراز و زیان‌ده، تضعیف ارزش پول ملی و نرخ تورم صعودی و بسیار بالا بود.
حال این سوال به وجود می‌آید که دولت تدبیر و امید چه سیاست هایی اتخاذ کرد که این نتایج را در بر داشته است.
برای پاسخ به این سوال باید نگاهی به سیاست‌های اجرایی و آمار و ارقام رسمی بانک مرکزی استناد کنیم.
از نیمه دوم سال ۹۲ این دو رویکرد (سالم‌سازی رشد نقدینگی و واگذاری نرخ سود به بانک‌ها) در سیاست‌گذاری پولی مورد توجه قرار گرفت. سیاست کنترل پایه پولی به غیر سال ۹۳، در سال‌های بعد توفیق چندانی پیدا نکرد. در سال ۹۳ پایه پولی تنها ۱۰٫۶ درصد رشد داشت اما در سال ۹۴ رشد پایه پولی به ۱۶٫۹ درصد و در سال‌های ۹۵ و ۹۶ به ترتیب به ۱۷٫۲ و ۱۹ درصد افزایش یافت.
در همین راستا از نیمه دوم سال ۹۲ رقابت شدیدی بین بانک‌ها برای افزایش نرخ سود سپرده به‌وجود آمد و این جریان در طول سال ۹۳ هم ادامه یافت به‌طوری که در اردیبهشت و خرداد نرخ سود روزشمار در برخی بانک‌ها به ۲۷ و ۲۸ درصد هم رسید. این وضعیت موجب ورود بانک مرکزی به این موضوع شد. در گام اول بانک مرکزی از بانک‌ها خواست روی نرخ سود با هم توافق کنند.

دوره	نرخ تورم	نرخ سود سپرده	نرخ تشکیل سرمایه ثابت
۱۳۹۲	۳۴٫۷	۲۵	-۶٫۹
۱۳۹۳	۱۵٫۶	۲۲	+۳٫۵
۱۳۹۴	۱۱٫۳	۲۰	-۱۲
۱۳۹۵	۹	۱۸	-۳٫۷
۱۳۹۶	۹٫۶	۱۸-۱۵	+۱٫۴
۱۳۹۷	۳۱٫۲	۱۸	-۱۲٫۳